



اتاق‌های فکر و دیپلماسی اقتصادی چین^۱

نویسنده: سیلویا مینیگزی^۲

ترجمه: محمدسالم ناجی^۳

چکیده

این مقاله به دنبال تبیین نقش اتاق‌های فکر چین در دیپلماسی اقتصادی آن کشور است. در کنار رشد اقتصادی، کشور چین در صدد است که منافع ژئوپلیتیکی خود را در سطح جهانی تقویت کند. چین برای تحقق این هدف خود از ابزارهای جدید (اتاق فکر و دیپلماسی اقتصادی) که در ذیل قدرت نرم قرار می‌گیرند، استفاده می‌کند. چنان‌که از نامش برمی‌آید، دیپلماسی اقتصادی یک رابطه دوسویه میان سیاست خارجی و منافع اقتصادی است. چین از زمان به قدرت رسیدن «شی جین پینگ»، در استفاده خود از دیپلماسی اقتصادی سرعت بخشیده است. پانگول، انستیتوت مطالعات مالی چون‌بانگ، مرکز مطالعات چین و جهانی‌شدن و سیلکس از مهم‌ترین اتاق‌های فکر چین به شمار می‌روند که در حوزه دیپلماسی اقتصادی فعالیت دارند. این اتاق‌های فکر، تئوری‌ها و تجربیات غرب را با ویژگی‌ها و چشم‌انداز چین معاصر درهم آمیخته، به دنبال تحقق اهداف بلندپروازانه پکن هستند. طرح «یک جاده و یک کمربند» و طرح «چیانگ‌مای» از مهم‌ترین پروژه‌هایی به شمار می‌روند که اتاق‌های فکر چین در آن نقش بارز دارند.

کلیدواژه‌ها: اتاق فکر، دیپلماسی اقتصادی، چین، یک جاده و یک کمربند و گروه بیست.

۱. این مقاله برگرفته شده (فصل چهارم) از کتاب بازنویسی اتاق‌های فکر در چین معاصر است.

۲. Silvia Menegazzi مدرس در دانشگاه آمریکایی رُم و پژوهش‌گر در دیپارتمنت علوم سیاسی لوئیس گوئدو کارلی، از ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶ پژوهش‌گر مهمان در دانشگاه امور خارجی چین در پکن S.menegazzi@aur.edu

۳. نویسنده و پژوهش‌گر در کابل (msalimnaji@gmail.com)

مقدمه

در فصل قبلی تلاش ما روی این موضوع متمرکز بود که اتاق‌های فکر چین در شرایط امروزی چگونه به‌عنوان نهادهای تولیدکننده دانش که مهم‌ترین کارکرد آن ارائه ایده‌های جدید برای رهبران و پالیسی‌سازان است، عمل می‌کنند؛ در حالی که فعالیت‌های آن‌ها متفاوت و وابسته به گونه‌های مختلف نهادها، مانند اتاق‌های فکر نظامی، حزبی - دولتی، آکادمی علوم اجتماعی چین و انستیتوت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها است. علاوه بر آن، کارکردهای مختلف اتاق‌های فکر چین، مانند جمع‌آوری اطلاعات، رایزنی در مورد پالیسی و شکل‌دهی نظریات از هم تفکیک‌شده و هم‌چنان نقش آن‌ها به‌عنوان کانال‌های آموزشی، مورد بحث قرار گرفته بود. در فصول گذشته، مفهوم رژیم‌های علمی و کاربرد آن در مطالعه اتاق‌های فکر چین مورد تبیین قرار گرفته بود. از منظر تنوریکی، ایده رژیم‌های علمی می‌تواند ما را کمک کند که بدیل‌ها را فرموله‌سازی کنیم و بفهمیم که اتاق‌های فکر به‌عنوان سازمان‌های تولیدکننده دانش بدون محدودیت‌هایی (معمای استقلال) که در رهیافت‌های گذشته تحمیل شده بود، چگونه کار می‌کنند. این مفهوم، به‌طور خاص، روی نقش و تأثیرات زمینه‌های ملی در خلق و توسعه دانش تأکید می‌کند. این رهیافت در مورد چین، به‌طور خاص، بسیار کاربردی است و طبقه‌بندی و تحلیل زمینه‌های غربی و چینی و تقدم و تأخر آن به خوبی می‌تواند جایگاه اتاق‌های فکر چین را تبیین نماید.

اکنون زمان آن رسیده است که موارد خاصی را به‌صورت کاربردی بررسی کنیم تا نقش و کارکرد اتاق‌های فکر چین مورد بازشناسی قرار بگیرد. چنان‌که قبلاً خاطر نشان شد، طی یک دهه گذشته، سازمان‌های پالیسی‌پژوه قادر بوده‌اند که نخبگان سیاسی و اقتصادی را در چین با پالیسی جدید، ایده‌ها و ابزارهایی که برای بازشناسی جوان‌سازی چین در امور بین‌المللی و حکومت‌داری جهانی الزامی به نظر می‌رسد، تربیت کنند. این مقاله بر دیپلماسی اقتصادی متمرکز است که در چین معاصر از اهمیت استراتژیک برخوردار است. ابتدا به معانی و ریشه‌های این اصطلاح با تمرکز به چشم‌انداز چینی آن پرداخته می‌شود. در مرحله دوم نسبت اهمیت این اصطلاح با نقش جهانی اقتصاد چین بررسی می‌شود. در این مرحله، چشم‌اندازهای مختلف دیپلماسی اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته و به نقش اتاق‌های فکر چین اشاره می‌شود. علاوه بر آن، برخی روایت‌ها، گفت‌وگوها و استراتژی‌ها در مورد اتاق‌های فکر چین و نقش آن‌ها در دیپلماسی اقتصادی مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد.



۱. دیپلماسی اقتصادی

طی دو دهه گذشته، فرایندهای جهانی شدن و گسترش وابستگی دوجانبه اقتصادی بین‌الملل، دیپلماسی اقتصادی را به یک امر ضروری مبدل کرده است. دیپلماسی اقتصادی هم به‌عنوان بعد اقتصادی سیاست خارجی و هم به‌عنوان بعد استراتژیک پالیسی اقتصادی تعریف شده است (Heath, 2016: 160). به‌طور خاص، دیپلماسی اقتصادی عبارت است از تصمیم‌گیری و گفت‌وگو در محور موضوعاتی که روابط اقتصادی بین‌الملل را متأثر می‌سازد؛ بنابراین، در دیپلماسی اقتصادی، فرایند تصمیم‌گیری و مذاکره در مورد پالیسی یا پرسش‌های مرتبط به روابط اقتصادی بین‌الملل از موضوعات محوری هستند (Woolcock and Bayne, 2013: 385). هرچند به این امر اذعان شده است که دولت‌ها هنوز هم اصلی‌ترین بازیگران هستند، با وجود این اهمیت روزافزون بازیگران غیر دولتی در فرایندهای تصمیم‌گیری را نمی‌توان دست‌کم گرفت. «وولکاک» و «باین» خاطرنشان کرده‌اند که دو عامل عمده در تعریف دیپلماسی اقتصادی نقش تعیین‌کننده داشته‌اند: از یک‌طرف، تصمیم‌گیرندگان و رای‌بخش‌های اجرایی و قانون‌گذاری دولت‌ها به شمول نهادهای نیمه‌دولتی، نهادهای ملی و بازیگران خصوصی و غیر دولتی قرار دارند و از سوی دیگر، فرایند تصمیم‌گیری و گفت‌وگو قرار دارد که نسبت به موضوعات اصلی پالیسی از جایگاه برتر برخوردار است که این موضوع یکی از ابعاد مهم این جستار را تشکیل می‌دهد (Woolcock and Bayne, 2013: 385). «ژینگ بای شی»^۱، پژوهش‌گر در انستیتوت مطالعات بین‌المللی چین، تعریف و معنای دیپلماسی اقتصادی را برای چین با جزئیات ذیل چنین بیان کرده است:

دیپلماسی اقتصادی، با مشخصات چینی، عبارت است از بهره‌گیری تام از ابزارهای خارجی اقتصادی در چارچوب تمامی ابعاد دیپلماتیک دولت برای حمایت و تقویت منافع ملی و به‌کارگیری اقداماتی مانند رهنمون‌سازی پالیسی اقتصادی، استفاده از اقتصاد در راستای اعتلای سیاست، ترکیب اقتصاد و سیاست به‌منظور دستیابی به منابع، بازار، سرمایه، فناوری‌ها و افراد نخبه برای توسعه ملی و دفاع مؤثر و متناسب در برابر تهدیدات گوناگون که از اقتصاد بین‌الملل ناشی می‌شود (Zheng, cited in Heath, 2016). با تحلیل مناظرات اندیشمندان، این اصطلاح به‌طور واضح میان اندیشمندان چینی دارای دو معنا است. اصطلاح چینی دیپلماسی اقتصادی عبارت است از: «جینگ جی وای جیاو-经济外交» که معنای اول آن کاربرد دیپلماسی به‌منظور

1. Zhing Bixi.

دستیابی به منافع و اهداف اقتصادی است. معنای دوم آن به‌کارگیری ابزار اقتصادی در جهت به دست آوردن اهداف سیاسی است (Wong, 2016, <http://www.theasanforum.org/chinese-per-spectives-oneconomic-Diplomacy>). امروزه، دشوار است که بتوان رفتار چین را در عرصه بین‌المللی طوری در نظر بگیریم که منافع و استراتژی‌های سیاسی و اقتصادی آن کشور جدا از هم تبلور پیدا کنند. اهداف اقتصادی و سیاسی به‌طور روزافزون در یکدیگر مدغم شده‌اند و چین رهیافت محافظه‌کارانه خود را در روشنایی شرایط متحول بین‌المللی کنار گذاشته است. در سطح منطقه، کشورهای همسایه، چین را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی یک کشور رهبری‌کننده می‌دانند. در سطح بین‌المللی کسانی که نسبت به رشد سریع چین نگاه شکاکانه داشتند، پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، در افکار خود تجدیدنظر کردند. آمادگی چین در راستای پذیرش نقش رهبری و مسئولیت به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی که یکی از دغدغه‌های آن اقتصاد جهانی است، از جمله شواهدی است که در سخنرانی رئیس‌جمهور چین، «شی جین‌پینگ»^۱، در اجلاس داوس ۲۰۱۷ بازتاب یافت.

زمانی چین در مورد جهانی‌شدن اقتصاد نگاه تردیدآمیز داشت و اطمینان نداشت که به سازمان تجارت جهانی بپیوندد. ما به این نتیجه رسیدیم که مدغم‌شدن در اقتصاد جهانی یک روند تاریخی است. چین برای رشد اقتصادی خود باید این شجاعت را داشته باشد که در اقیانوس وسیع بازار جهانی شنا کند. هرگاه کسی از توفان و اکتشافات بترسد، به‌زودی در اقیانوس غرق خواهد شد؛ بنابراین، چین شجاعت به خرج داد و با آغوش باز از بازار جهانی استقبال کرد. ما نگرانی‌های خود را داشتیم تا در آب‌ها با موانع، گرداب‌ها و موج‌های متلاطم رویه‌رو شویم؛ اما ما یاد گرفتیم که در این فرایند چگونه آب‌بازی کنیم. این ثابت کرده است که استراتژی درستی در پیش گرفته‌ایم. چه دوست داشته باشید یا نه، اقتصاد جهانی به مثابه یک اقیانوس عظیم است که شما نمی‌توانید از آن فرار کنید. هرگونه کوشش برای متع‌نمودن جریان سرمایه، تکنولوژی، تولیدات، منابع و مردم میان اقتصادها و برگشت‌دادن آب‌های اقیانوس از طریق کانال‌ها به دریاچه‌های دورافتاده و نهرها به سادگی عملی نیست (اداره اطلاعات شورای دولت، ۲۰۱۷).

سخنان شی در داوس^۲، جامعه بین‌المللی را ترغیب کرد تا باور کند چین این آمادگی را دارد

1. Xi Jinping.

2. Davos.



که قهرمان جدید نظم بین‌المللی لیبرال باشد. منافع اقتصادی و استراتژی‌های رو به جلوی چین در نشست داوس و کاربست سیاسی آن را نمی‌توان نادیده گرفت. طی یک دهه گذشته، چین از جمله کشورهایی بوده است که بیش‌ترین نفع را از جهانی‌شدن و وابستگی متقابل اقتصاد برده است؛ اما بدون تکلف باید بیان کرد که چین آمادگی و تمایل ندارد که شکاف سیاسی خود را با بقیه جهان پر کند؛ ولی دیر یا زود این امکان فراهم خواهد شد. این کشور در راستای غلبه بر اقتصاد جهانی اقدامات متعددی را در پیش گرفته است. برای این‌که بفهمیم که این اقدامات آیا در مطابقت و هم‌سویی با آجندای بین‌المللی چین قرار دارد یا نه، ما باید در قدم اول به سطوح این اقدامات اذعان کنیم؛ سطح داخلی-ملی، سطح بین‌المللی و سطح چندجانبه فراملی. به لحاظ داخلی، روح لیبرال‌سازی تجارت آزاد در سال ۲۰۱۳ با شروع برنامه آزمایشی منطقه تجارت آزاد (FTZ) در شانگهای آغاز شد. در سال ۲۰۱۴، پروژه‌های مشابه (FTZ) در مناطق «گوانگ‌دونگ»، «فوجیان» و «تیان‌جین» به تصویب رسید. اهمیت تغییر در پالیسی اقتصادی جدید چین به در حال توسعه بودنش نهفته نیست؛ بلکه ناشی از آزاد کردن سرمایه‌گذاری‌های مستقیم غیر خارجی به مثابه یک اقتصاد عمده و بالغ است که طی یک دهه گذشته انجام داده است (Zha, 2015). <https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/2015/03/PR150318>. سطح دوم در دیپلماسی اقتصادی، پالیسی‌های نوآورانه ابعاد بین‌المللی را پوشش می‌دهد. برای رهبران پکن تعداد رو به رشد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد که طی یک دهه گذشته به امضا رسیده و گشایش یافته، ضروری می‌نماید. چین قبلاً با تعدادی از کشورها مانند آسه آن، پاکستان، سنگاپور، چیلی، زیلانده جدید، ایسلند، سوئیس، کاستاریکا، پرو، استرالیا و کوریای جنوبی موافقت‌نامه تجارت آزاد به امضا رسانیده بود.

سومین سطح در دیپلماسی اقتصادی، پوشش‌دهنده اقدامات و نهادهای چندجانبه فراملی است. مشخصه بارز این اقدامات صرفاً نوسازی آن‌ها نیست؛ بلکه حقیقت آن است که همه آن‌ها توسط دولت چین گسترش و قویاً توسعه یافته تا از طریق به‌کارگیری آن‌ها ابعاد متفاوت نظم لیبرال مورد بازشناسی قرار بگیرد. به طور خاص، این‌ها شامل مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای (RCEP)، موافقت‌نامه تجاری آسیا-پاسیفیک (APTA)، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا

1. Guangdong.
2. Fujian.
3. Tianjin.
4. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN).



(AIIB) و برنامه یک جاده و یک کمربند (OBOR) هستند. دوتای اول این اقدامات برای گسترش و سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی چین در سطح منطقه طراحی شده است و در دو برنامه آخری منافع بزرگ ژئوپلیتیکی چین نهفته است که دامنه جهانی دارد. آنچه در همه این‌ها به طور مشترک یافت می‌شود، نمایندگی از یک نظم جدید جهانی می‌نماید که توسط چین از طریق دیپلماسی اقتصادی و کاربردهای آن در قرن بیست و یکم ترویج شده است که در آن استراتژی‌های سیاست خارجی با منافع اقتصادی ترکیب شده است.

۲. چین و نظم اقتصادی جهان

ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۲۰۰۱، سرمایه نظام تجاری چندجانبه را متحول کرد. چند سال قبل کسی در جهان تصور نمی‌کرد که چین، کشوری با میلیون‌ها فقیر و درآمد سرانه بسیار کم‌تر از معیار متوسط که در جهان توسعه یافته پذیرفته شده بود، تبدیل به کشوری شود که یک روزی بر جهان حکومت کند (Jacques, 2009). چین هنوز هم به عنوان کشور در حال توسعه باقی مانده است. در سال ۲۰۱۴، بانک جهانی برآورد کرده بود که در حدود ۱۷-۷۰ میلیون نفر در مناطق روستایی چین فقیر هستند و اصلاحات بازار با تکمیل شدن هنوز بسیار فاصله دارد. سطح نابرابری میان مردم به طور مداوم در حال افزایش است. چین نقش دوگانه بازی کرده است که هم در زمره دولت‌های توسعه یافته و هم در زمره کشورهای در حال توسعه طبقه بندی می‌شود و در همین حال، نظام اقتصادی آن از حالت برنامه ریزی شده متمرکز به سوی اقتصاد بازار تحول یافته است. اگر ناممکن نباشد حداقل دشوار خواهد بود که این کشور بتواند از سطح پایین به درجه متوسط صعود کند.

رهبران چین برای پرهیز از روبه‌رو شدن با تهدیدات غیر قابل عبور اقتصادی، برخی اقدامات اساسی را روی دست گرفته‌اند. در سطح داخلی دو مانور عمده (تجدید ساختار) شامل برنامه پنج‌ساله دوازدهم (۲۰۱۱-۲۰۱۵) و برنامه پنج‌ساله سیزدهم (۲۰۱۶-۲۰۲۰) متمرکز بر عملیاتی‌سازی رشد مصرف‌گرایی، برانگیختن تقاضای داخلی و دوبرابری تولید ناخالص داخلی در ۲۰۲۰ و ایجاد جامعه همگون و پایدار است. چین در سطح بین‌المللی برنامه‌های مهمی را روی دست گرفته است تا جایگاه اقتصادی آن کشور در سطح جهانی تقویت شود. چین از همان ابتدا از مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای (RCEP) به عنوان بدیل پروژه اقتصادی به رهبری



غرب/آمریکا حمایت کرده است. اداره اویاما بر ضد حکومت چین، برنامه مشارکت فراپاسیفیک را راه‌اندازی کرد؛ اما اداره ترامپ آن را لغو کرد. مذاکرات مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای شامل تجارت کالا، خدمات، همکاری‌های اقتصادی و فنی، سرمایه‌گذاری، حق مالکیت فکری، تنظیم مقررات تجارت‌های کوچک و متوسط (SMEs) و برخی مراودات بازرگانی دیگر است. در ابتدا آسه آن مذاکرات را در سال ۲۰۱۳ شروع کرد. امروزه، به‌صورت دوفاکتو چنین به نظر می‌رسد که چین هدایت‌کننده این ابتکارات است. هرچند طرح آسه آن سر جای خود باقی است؛ اما مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای به‌منظور تقویت تجارت چین برنامه‌ریزی شده است. در حالی که خلاً رهبری آمریکا در آسیا دیده می‌شود. در (RCEP) شانزده کشور جهان مشارکت دارد که تقریباً نصف نفوس و سی درصد تولید ناخالص جهان و یک‌چهارم صادرات جهان را به خود اختصاص داده است و برای چین این اطمینان را فراهم کرده است که در اقتصاد منطقه‌ای نقش کلیدی بازی کند. هرچند نابرابری تجاری میان چین و پانزده عضو دیگر وجود دارد. در کنار مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا و بانک توسعه جدید بریکس (BRICS) دو ابزاری هستند که نقش اساسی در اجرایی کردن دیپلماسی اقتصادی چین دارند. این دو ابتکار در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ توسط چین راه‌اندازی شد. کشورهای غربی مدت طولانی تلاش کردند که چین را در نظم بین‌المللی لیبرال مدغم نمایند و از طریق کشاندن به نهادهایی هم‌چون سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول آن کشور را به چندجانبه‌گرایی بکشانند. از زمانی که اداره شی جین‌پینگ در اواخر سال ۲۰۱۲ قدرت را در اختیار گرفته است، ماجرا تغییر یافته و رهبران پکن دیگر به مشارکت صرف بسنده نمی‌کنند و بر آن هستند که کشورشان در همکاری‌های چندجانبه اقتصادی و مالی در سطح جهانی نقش رهبری‌کننده داشته باشد. با وجود این که دلواپسی‌های اقتصادی هم‌چنان به قوت خود باقی است، مقاصد ژئوپلیتیکی چین در اولویت قرار دارد و این کشور از اهرم‌های اقتصادی مانند نهادهای مالی، تجاری و فعالیت‌های اقتصادی در این راستا استفاده می‌کند (Huotari and Heep, 2016: 153-171).

علاوه بر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا و بانک توسعه جدید بریکس، یکی از ابتکاراتی که توسط شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ روی دست گرفته شد، پروژه «یک جاده و



یک کمربند^۱ (OBOR) بود که یکی از نمونه‌های ترکیب منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین است. جای تعجبی ندارد که پروژه یک جاده و یک کمربند را استراتژی جدید ژئواکونومیک چین بنامیم (Pu, 2016: 111-132). برای بازشناسی انگیزه‌های واقعی ژئوپلیتیکی که پشت سر این پروژه‌ها نهفته است، تحلیل‌های آتی متناسب به نظر می‌رسد و به طور تعجب‌انگیز این پروژه‌های جدید طی سال‌های پیش رو کاربرد اقتصادی دارد.

از پروژه یک جاده و یک کمربند انتظار می‌رود که میان اقتصادهای در حال توسعه از طریق یک سلسله‌دهلیزهای اقتصادی میان چین و کشورهای اروپایی در امتداد جاده ابریشم ارتباط قوی ایجاد کند. در عین حال، از جاده ابریشم دریایی انتظار می‌رود که برای کشورها موفقیت اقتصادی به بار بیاورد و در همین حال، از طریق پروژه‌های زیرساختی، چین را با جنوب شرق آسیا و کشورهای آفریقایی مانند کنیا، موزامبیک، تانزانیا و دیگران متصل بسازد. چین قویاً متعهد شده است که ساختار آینده اقتصادی اور-آسیا، آفریقا و آسیا را تجدید نماید و امروزه نمی‌توان استراتژی و منافع اقتصادی آن کشور را جدا از کاربردهای سیاسی آن در نظر بگیریم. به همین شکل، فهم دیپلماسی اقتصادی چین مستلزم شناخت موضوعات عمده و استراتژی‌های آن کشور است. روی هم رفته، این امر نتیجه غوطه‌ور شدن چین در اقیانوس (جهانی‌شدن) است؛ پدیده‌ای که بر کنش و واکنش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای جهان تأثیر گذاشته است.

امروزه، بررسی نقش و فعالیت‌های اتاق‌های فکر چین در چارچوب جهانی‌شدن از اهمیت زیاد برخوردار است. بازیگران غیر دولتی در نتیجه الگوهای پیچیده اندرکنش جهانی و وابستگی متقابل جهانی به طور روزافزون نفوذ کسب می‌کنند. از این منظر، جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی از طریق سازمان‌دهی و لابی‌گری در ورای مرزهای ملی، در پالیسی‌سازی بین‌المللی نفوذ بیش‌تر کسب می‌کنند (Saner and Liu, 2003: 2). این موضوع، به طور مستقیم، بیان‌کننده نقش غالب اتاق‌های فکر در دیپلماسی اقتصادی است. اتاق‌های فکر، شکل‌دهنده نوآوری‌های معنادار در فرایندهای پالیسی‌سازی هستند. به طور مثال: اجلاس پالیسی اقتصادی^۲ (EPF)، یک شبکه جهانی اتاق‌های فکر است که به پژوهش‌های نتیجه‌محور در حوزه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه پایدار در اقتصادهای نوظهور فعالیت می‌کند. پالیسی‌های نوآورانه توسط اتاق‌های فکر

Asian Nations (ASEAN). 1. One Belt One Road. 1. Econo

institute of International Studies, Beijing University of Foreign Languages and

تولید می‌شوند که دربردارنده جزئیات فرایند پالیسی‌سازی شامل موارد ذیل هستند:

الف. طرح پیشنهادی و تصمیم برای نوآوری در پالیسی؛

ب. ارائه مقالات توسط کارشناسان پالیسی و نوآوری در پالیسی به شمول پرسش‌های پژوهشی و روش‌شناسی؛

ج. برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌ها در مورد پیش‌نویس مقالات که در آن اعضا به منظور خلق پالیسی‌های جدید به گفت‌وگو می‌پردازند؛

د. ارائه مقالات قبل از نهایی شدن که شامل نتایج پژوهش‌ها و توصیه‌ها هستند و اغلب برای مخاطبان حکومتی ارائه می‌شوند؛

هـ. نشر این مقالات به منظور مباحثه در اجلاس بین‌المللی که به طور مستقیم وارد فرایندهای اصلاحی داخلی و بین‌المللی می‌شود (EPF website).

اجلاس پالیسی اقتصادی از زمان ایجاد بر آن بوده است که اتاق‌های فکر و متخصصان را از کشورهای مختلف در حال توسعه گرد هم جمع کند. در این اجلاس، انستیتوت اصلاحات و توسعه به نمایندگی از چین حضور دارد. در جریان یک دهه گذشته، تعداد زیادی از اتاق‌های فکر چین بخشی از شبکه‌های بین‌المللی اجلاس و نشست‌ها شده‌اند که این امر بی‌سابقه پنداشته می‌شود. این پدیده را پژوهش‌گران به بین‌المللی شدن اتاق‌های فکر چین تعبیر کرده‌اند. عقیده بر آن است که اتاق‌های فکر چین از طریق آموزش، اساس جامعه علمی خود را وسیع ساخته، به تخصص‌گرایی و گوناگونی سوق می‌یابد. به طور خاص، تجربیات بین‌المللی می‌توانند توسعه جاری اتاق‌های فکر را تحکیم ببخشند؛ چیزی که برخی‌ها در چین بر آن باورند که این سکتور موجب رقابتی شدن محیط بین‌الملل می‌شود (Huang and Fu, 2015: 3-11). قابل یادآوری است که اتاق‌های فکر چین در مورد آن کشور و جهان ایده‌های زیادی تولید می‌کنند؛ اما با محدودیت‌های شدید سیاسی روبه‌رو هستند و این ناممکن است که آن‌ها به طور مستقیم پالیسی حکومت را به چالش بکشند.

کارکردهای آینده اتاق‌های فکر و این‌که چگونه پژوهش‌گران و متخصصان چینی ایده‌ها را تولید و دینامیک‌های تصمیم‌گیری را شکل می‌دهند، هنوز به‌عنوان پرسش بی‌پاسخ مانده است و



تغییر بزرگ‌تر پارادایمی^۱ در کار است تا واضح شود که آن‌ها چگونه می‌توانند در چین کار کنند و آینده آن‌ها چگونه خواهد بود. اتاق‌های فکر در فرایندهای تصمیم‌گیری نقش روزافزون دارند؛ آن‌ها نه تنها انجام‌دهنده پژوهش‌های پالیسی‌محور و ارائه‌کننده پیشنهادها و توصیه‌ها هستند؛ بلکه آن‌ها می‌توانند شعبه‌های بین‌المللی باز کنند و آن‌ها پژوهش و عملکرد چینی را با تئوری و استراتژی‌هایی که از غرب آموخته‌اند، ترکیب نمایند (Zhang, 2017: http://casseng.ccssn/news_events/news_briefing/2017.05/220170518_3523309.html). نتایج حاصله از ارزیابی خودی که توسط متخصصان اتاق‌های فکر انجام شده بودند، بسیار کاربردی پنداشته می‌شوند؛ اما اغلب در خطوطی قرار دارند که توسط حزب کمونیست چین و اداره شی جین پینگ دیکته می‌شوند. کارکرد اتاق‌های فکر به مثابه کارگزاران قدرت نرم، به طور روزافزون، در سطح بین‌الملل به رسمیت شناخته می‌شود و تعداد این انستیتوت‌ها که در مناسبات بین‌المللی شرکت می‌ورزند، طی سه سال آخر رشد قارچ‌گونه داشته‌اند. طرح‌های پیشنهادی که توسط این اتاق‌های فکر ارائه می‌شوند، به‌ندرت از طرف حزب حاکم مورد نقد قرار می‌گیرند.

«ژینگ یانگ‌نیان»^۲ پروفیسور و مدیر انستیتوت آسیای شرقی در دانشگاه بلی سنگاپور است. ژینگ یکی از پروفیسوران چینی و دانش‌آموخته ایالات متحده است که نقش اتاق‌های فکر چین را در روشنایی طرح اصلاحی اداره شی جین پینگ مورد بحث و مطالعه قرار داده است. هم‌قطاران او عمدتاً در سازمان‌های پالیسی‌پژوه مشغول به کار هستند. او از اکثر سازمان‌های پژوهشی که به‌عنوان ابزار حکومتی عمل می‌کنند، شدیداً انتقاد کرده است. ژینگ بر آن است که اکثر اتاق‌های فکر چین فاقد استقلال و بی‌طرفی هستند. دانشمندان چینی هنوز هم در چشم‌انداز گذشته و توسعه‌نیافته خود قرار دارند. وی بر آن است که چین ضرورت به راه‌اندازی اتاق‌های فکر بیش‌تر دارد. او در مورد آنچه در چین به‌عنوان سازمان‌های پالیسی‌پژوه شناخته می‌شوند، نگاه بدبینانه دارد و دانشمندان چینی هنوز تحت انقیاد ایدئولوژی و در حال اجرایی‌کردن پالیسی حکومت هستند (Zhang, 2016 a and b: http://Europe.chinadaily.com.cn/business/2016-07/29/content_262686-57.html).

Forum. 1. Paradigm. 1. Zheng Yongnian. 1. Unirule Institute o
Forum. 2. Paradigm. 2. Zheng Yongnian. 2. Unirule Institute o

۳. اتاق‌های فکر و دیپلماسی اقتصادی چین

تعداد اتاق‌های فکر چین که در حوزه دیپلماسی اقتصادی فعالیت دارند، طی یک دهه گذشته از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ به طور سرسام‌آور افزایش یافته‌اند. در میان اتاق‌های فکر شناخته شده چین، «انستیتوت اقتصادیات یونیورول»^۱، اغلب به‌عنوان اتاق فکری به شمار می‌رود که در حوزه دیپلماسی اقتصادی فعالیت می‌کند. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث شده است یونیورول به‌عنوان سازمان پالیسی‌پژوه چین شهرت و اعتباری کسب کند، این است که از اولین اتاق‌های فکر غیر نظامی و غیر حکومتی است که در سال ۱۹۹۳ در چین تأسیس شده است. تأسیس آن را می‌توان به‌عنوان فرآورده سیاسی در نظر گرفت که چین در آن زمان شاهد آن بود. در سال ۱۹۹۲، «دنگ شیائوپینگ»^۲ پس از چرخش مشهور خود در چین جنوبی، بازنشسته شد. آزادسازی اقتصادی و اصلاحات در آن سال از مهم‌ترین اقدامات حزب کمونیست بود. سازمان‌های جدید پالیسی‌پژوه در حوزه‌هایی مشغول به کار بودند که به‌صورت دوفاکتو ضرورت آن تأیید و مورد پذیرش نخبگان سیاسی چین قرار گرفته بود. یکی دیگر از سازمان‌های پالیسی‌پژوه با شهرت قابل توجه در همان دوران ایجاد شد که «انستیتوت اصلاحات و توسعه چین»^۳ نامیده می‌شود.

انستیتوت اصلاحات و توسعه چین، مانند انستیتوت یونیورول، به‌عنوان یک اتاق فکر غیر نظامی ثبت و راجستر شده است. این نهاد در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد و مقر آن در «هاینان»^۴ قرار دارد و محور فعالیت‌های پژوهشی آن را اصلاحات اقتصادی و توسعه تشکیل می‌دهد. انستیتوت اصلاحات و توسعه چین در تعدادی از پروژه‌های بین‌المللی با شرکا و سازمان‌های جهانی مشارکت داشته است. در حال حاضر، این نهاد با برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، جی‌آی‌زید آلمان و انستیتوت پژوهش شهری و منطقه‌ای ناروی (NIRB) کار می‌کند.

توسعه بین‌المللی‌سازی اتاق‌های فکر در کنار توجه خاص چین به این سکتور طی پنج یا ده سال گذشته باعث شده است که نسل‌های جدید اتاق‌های فکر در چین ایجاد شوند که هدف آن‌ها ارائه توصیه در مورد پالیسی‌های ملی اقتصادی و استراتژی‌های اقتصادی خارجی است. این سازمان‌ها نسبت به اتاق‌های فکر گذشته، از لحاظ ساختار سازمانی، فعالیت‌ها و کارکنان متفاوت

1. *Economic Paradigm*. 1. Zheng Yongnian. 1. Unirule Institute of

2. *Spring Xia*-China Institute for Reform and Develop-

هستند. شی جین پینگ بابت تجربیات این اتاق‌های فکر و مشارکت آن‌ها در حوزه‌های مختلف، مخصوصاً سکتور اقتصاد، قدردانی کرده است. اتاق‌های فکر جدید که پس از سال ۲۰۰۷ تأسیس شده‌اند، از مهم‌ترین و ضروری‌ترین سازواره‌های دیپلماسی اقتصادی چین به شمار می‌روند. نهادهایی مانند «پانگول»، «مرکز چین برای مبادلات بین‌المللی اقتصاد» (CCIEE) و «انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌بانگ» وابسته به دانشگاه «رین‌مین»^۴ از جمله سازمان‌های پالیسی‌پژوه هستند که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱. پانگول (Pangoal)

پانگول (盘国际库) از واضح‌ترین مثال‌های نسل جدید اتاق‌های فکر چین است که در سال‌های اخیر ظهور کرده‌اند. این انستیتوت در سال ۲۰۱۳ در پکن بنا نهاده شد. طی سه سال، این نهاد به طور سریع فعالیت‌های مختلف خود را در سطح بین‌الملل توسعه بخشید. اولاً، این نهاد در اجلاس و شبکه‌های بین‌المللی مشارکت داشته است. از سال ۲۰۱۶ به این طرف، پانگول عضویت اتاق‌های فکر شورای بریکس (BRICS) را به عهده داشته و یکی از مشارکت‌کنندگان مهم شبکه اتاق‌های فکر حکومت‌داری جهانی^۵ بوده است. این یکی از آخرین به دنبال ایجاد پلتفرم کاری در حوزه حکومت‌داری جهانی است و از برخی فعالیت‌ها، مانند پژوهش مشترک، سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و کنفرانس‌ها، حمایت و پشتیبانی می‌کند. ترکیب متخصصان در پانگول دربردارنده اتاق‌های فکر غربی، مشاوران ارشد، شخصیت‌های علمی، اعضای کمیته‌ها و پژوهش‌گران ارشد هستند. پانگول به منظور فعالیت‌های پژوهشی و چشم‌اندازهای چینی و غیر چینی، حضور برخی کارشناسان از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را با پیشانی باز پذیرفته است. برخی از آن‌ها شهرت جهانی دارند؛ به طور مثال: «آمینا آکاریا»^۶ رئیس اسبق انجمن مطالعات بین‌الملل (ISA)، و «جاناناتان پالک»^۷، مدیر اسبق «جان ال تورتون مرکز چین»^۷ در واشنگتن دی سی، از جمله آن افراد هستند. بر اساس وب‌سایت آن نهاد، مهم‌ترین فعالیت‌های پانگول شامل موارد

4. Global Governance Think Tanks Network (GTT).
5. Amitav Acharya.
6. Jonathan Pollack.
7. John L. Torton China Center.



ذیل است:

ارائه مشورت برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلان اقتصادی، مالی، نوآوری و سرمایه‌گذاری به حکومت مرکزی، حکومت‌های محلی و بنگاه‌های مختلف در سطح بین‌المللی. پانگول با توجه به در اختیار داشتن کارشناسان حرفه‌ای و رابطه‌ی حسنه‌ای که با تصمیم‌گیرندگان دیپلماتیک چین دارد، فراهم‌کننده‌ی خدمات پژوهشی و مشورتی، تربیت‌کننده‌ی کارشناسان بانفوذ در حوزه‌های پالیسی و دیپلماتیک یک کمر بند و یک جاده، مناطق و کشورهای مختلف است. تلاش‌های پانگول در راستای فعالیت‌های اتاق‌های فکر غربی طی سه سال گذشته محرز شده است. «لی شوئین»^۱، مفسر شبکه‌ی تلویزیونی چین (CCTV)، بر این است از آن‌جا که قدرت نرم چین بسیار محدود باقی مانده است، ضرورت رو به رشد به اتاق‌های فکر پیش‌تر و با کیفیت عالی احساس می‌شود که بتواند فراهم‌کننده‌ی راه‌حل‌ها، خلق ایده‌های جدید، اعتلای قدرت نرم چین از طریق واکاوی در خرد و حکمت جامعه‌ی گسترده‌ی چین باشد (http://www.cctv.com, 2016). وب‌سایت CCTV بیان داشته است: اتاق‌های فکر چین باید از هم‌قطاران خود یاد بگیرند. برای توسعه‌ی خلاقانه‌ی نوع جدید اتاق فکر با مشخصه‌ی چینی، این کشور باید تجربیات غربی و تئوری‌های معاصر را با شرایط ملی فعلی و گذار تاریخی درهم بیامیزد (http://www.cctv.com, 2016). پانگول از اتاق‌های فکر غربی بسیار آموخته است. به طور ترکیبی از کارشناسان خارجی و چینی‌های بازگشته از غرب استفاده می‌کند. در عین حال، راه هم‌قطاران غربی خود را تعقیب می‌کند و نحوه‌ی عملکرد آن موسوم به مکانیسم «درب گردان»^۲ است که در آن مبادله‌ی ایده‌ها و تجربیات میان مقامات سابق حکومتی و کارکنان سکتور غیر حکومتی صورت می‌گیرد. «بای جین فو»^۳، معاون اسبق و مشاور در دیوان اقتصادی در مرکز پالیسی پژوهی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، از مهم‌ترین مثال‌های آن است.

هرچند مکانیسم درب گردان در چین هنوز تکمیل نشده است. به طور خاص، در یک دهه‌ی گذشته، تعداد زیادی مقامات سابق حکومتی و سیاست‌مداران حزب کمونیست سازمان‌های برجسته‌ی پالیسی پژوهی را شکل داده‌اند. مخالفان این مکانیسم بیان می‌دارند که کار کردن اتاق‌های

1. Li Shouen.

۲. Revolving Door در علوم سیاسی به روندی گفته می‌شود که در آن، میان هفتش افراد بلندپایه سیاسی، قانون‌گذاری، صاحبان صنعت و مناصب علمی جابه‌جایی صورت می‌گیرد (مترجم).

3. Bai Jinfu.

فکر برای حکومت، وجود محدودیت در این بخش را ماندگاری می‌بخشد. هرچند «وانگ هوی نینگ»^۱ از محیط دانشگاهی شروع کرد و اکنون رئیس اداره پالیسی پژوهی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است. «لیوهی»^۲ رئیس فعلی گروه پیشنهاد اقتصاد مرکزی حزب کمونیست چین است؛ اما این وضعیت نشان می‌دهد که این روند هنوز نابالغ است (Li and Xu, 2017: <https://www.brookings.edu/opinions/Chinese-think-tanks-a-news-revolving-door-for-elite-recruitment/>). سازمان‌های پالیسی‌پژوه توسط دیپارتمنت‌ها و نهادهای حکومتی اداره می‌شوند و به‌ندرت اتفاق می‌افتد که کارکنان اتاق‌های فکر غیر نظامی به شمول رئیس یا مدیران بتوانند در رده‌های بلند حزبی جا خوش کنند. با این حال، برخی پیشرفت‌ها و به رسمیت‌شناختن سازمان‌های پالیسی‌پژوهی در چین توسط اداره شی جین پینگ دیده شده است.

۲-۳. انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌یانگ

انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌یانگ یا (RDCY 国学阳研) در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. این انستیتوت وابسته به دانشگاه رین‌مین در پکن است؛ اما از طریق کمک‌های سخاوتمندانه آموزشی خارجی تأمین می‌شود و آقای «چین جی یوجین»^۳، از دانش‌آموختگان سابق دانشگاه رین‌مین، دو صد میلیون به این نهاد کمک نموده است. این مرکز پژوهشی خود را اتاق فکر جدید با مشخصه چینی تعریف می‌کند؛ ما به تعداد ۹۶ تن از سیاست‌مداران سابق، بانک‌داران و پژوهش‌گران برتر را به‌عنوان کارگزاران ارشد استخدام کرده‌ایم و با اتاق‌های فکر بیش از ۳۰ کشور همکاری داریم (RDCY website). انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌یانگ سریعاً به یکی از اتاق فکر پیشنهاد چین تبدیل شده است. در کنار پانگول، این از اولین نسل اتاق‌های فکر چینی است. برجسته‌ترین ویژگی انستیتوت مطالعات امور مالی، ساختار سازمانی آن است که در آن نه تنها چهره‌های علمی از دانشگاه‌های مختلف چین حضور دارند؛ بلکه پژوهش‌گران خارجی نیز در میان آن‌ها قرار دارند. به طور خاص، بورد (هیأت) اجرایی و گروه کاری- اجرایی در کنار پژوهش‌گران و کارگزاران مقیم از پژوهش‌گران مهمان و اعضای علمی راه دور نیز استفاده می‌کند. این امر باعث می‌شود که چهره‌های علمی بین‌المللی از ایالات متحده و اتحادیه اروپا در آن وجود داشته باشند. دومین ویژگی اتاق‌های فکر نسل جدید این است که این انستیتوت در

1. Wang Huining.

2. Liu He.

3. Qin Guogen.



تعامل با اجلاس و شبکه‌سازی بین‌المللی قرار داشته باشد. این نهاد هماهنگ‌کننده نشست ۲۲۰ در ۲۰۱۶، دبیر کمیته سرمایه‌گذاری سبز جامعه چین (CFC) برای امور مالی و بانک‌داری بود. مدیریت اجرایی اتحادیه اتاق‌های فکر چین را در پروژه یک جاده و یک کمربند عهده‌دار است. اکثر مطالب پژوهشی این نهاد شبیه موضوعات تحقیقی نسل جدید اتاق‌های فکر است. موضوعات و مقالات پژوهشی در انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌یانگ به چهار دسته تقسیم می‌شوند: حکومت‌داری جهانی، یک جاده و یک کمربند، امور اقتصادی-مالی و روابط قدرت‌های عمده جهان. موضوع اول در حکومت‌داری جهانی و نقشی را که چین در آن بازی می‌کند، حائز اهمیت است. اکثر موضوعات آن به فعالیت‌های همکاری‌جویانه چین-بریکس، توسعه آجندای گروه بیست و نقش چین در حکومت‌داری اقتصاد جهانی متمرکز است. برنامه یک جاده و یک کمربند بر نقش کارشناسان متمرکز است. انستیتوت مطالعات مالی یکی از کارورزان عمده‌ای است که در طرح یک جاده و یک کمربند به‌عنوان یک اتاق فکر فعالیت می‌کند و یکی از سازمان‌های مهم بوده است که در اجلاس همکاری‌های بین‌المللی یک جاده و یک کمربند نقش داشته است. آجندای اقتصادی-مالی شامل فعالیت‌های پژوهشی در حوزه‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی است. تطبیق پالیسی‌های زیست‌محیطی حکومت‌ها، مانند محیط‌زیست پایدار و توسعه بوم‌شناسی، از مهم‌ترین وظایف آن است. برنامه مطالعه روابط قدرت‌های عمده به نقش چین در امور بین‌المللی می‌پردازد. به طور خاص، به مطالعه روابط خارجی چین با همسایه‌های آسیای شرقی آن، مانند کوریای جنوبی و شمالی، جاپان و به همین ترتیب اتحادیه اروپا، ایالات متحده و قدرت‌های دیگر که اهمیت حیاتی در نقش رو به صعود چین در امور جهانی دارند، می‌پردازد.

۳-۳. مرکز مطالعات چین و جهانی شدن

«مرکز مطالعات چین و جهانی شدن» (CCG-国与库) در سال ۲۰۰۸ در پکن تأسیس شد. این مرکز یک اتاق فکر است که تمرکز آن روی موج جدید (نسل چهارم) اتاق‌های فکر قرار دارد. این مرکز توسط تعدادی از پژوهش‌گران بازگشته از غرب تأسیس یافت و ارتباطات قوی میان این مرکز و انجمن پژوهش‌گران بازگشته از غرب (WRSA)، انستیتوت نخبگان جهانی چین جنوبی و تعدادی از اتاق‌های فکر خواهرخوانده مستقر در گوانگژو وجود دارد که بر مطالعه نخبگان بین‌المللی متمرکز است. موضوعات پژوهشی مرکز مطالعه چین و جهانی شدن عمدتاً

1. Guangzhou.

روی مسائل جهانی شدن و حکومت‌داری جهانی قرار دارد. این مرکز پنج برنامه پژوهشی را، مانند استعداد‌های جهانی، جهانی شدن سرمایه، امور بین‌الملل و مطالعات روستایی و توسعه، به پیش می‌برد. این پنج حوزه پژوهشی، فعالیت‌های مختلفی از جهانی شدن سرمایه‌گذاری (با تمرکز روی استراتژی جهانی شدن چین)، همگرایی منطقه‌ای و دیپلماسی عمومی را شامل می‌شود. علی‌رغم این‌که این مرکز خود را یک اتاق فکر غیر نظامی و غیر حکومتی تعریف می‌کند، ارتباطات قوی با سکتورهای حکومتی دارد. «وانگ هویی یائو»^۱، بنیان‌گذار و رئیس این مرکز، در سپتامبر ۲۰۱۵ توسط نخست‌وزیر «لی کی‌یانگ»^۲ به‌عنوان مستشار در شورای دولتی چین گماشته شد. وی در میان سایر وظایف سیاسی، عهده‌دار معاونت کمیته مرکزی اقتصادی چین در ناحیه «جی یو سان»^۳، مشاور در کنفرانس سیاسی-مشورتی خلق چین (PCC) و مشاور رسمی سیاسی در کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بوده است.

مرکز مطالعه چین و جهانی شدن به‌عنوان یک نمونه کامل اتاق فکر با ویژگی‌های چینی، توجه زیاد رسانه‌های ملی و محلی را به خود جلب کرده است. در جون ۲۰۱۶، این مرکز میزبان نشست نوآوری چین و برنامه جامعه مدنی و اتاق فکر دانشگاه پنسیلوانیا بود که در آن متخصصان چینی و بین‌المللی در کنار هم اشتراک ورزیده بودند. مطابق رهنمود اداره شی جین پینگ، باید ویژگی‌های چینی اتاق‌های فکر جدید توسعه پیدا کنند تا در نشست‌های بین‌المللی موضع کارشناسان و متخصصان نزدیک به دایره تصمیم‌گیرندگان حزب کمونیست چین باشند. بر اساس دیدگاه وانگ هویی یائو، اتاق‌های فکر می‌توانند بیش‌تر راه‌حل‌های ارزشمندی را در فرایند تصمیم‌گیری فراهم کنند. هرگاه صدای آن‌ها شنیده شود، آن‌ها می‌توانند نقشی مهمی را در توسعه پالیسی‌سازی کشور بازی نمایند (<http://en.ccg.cn/2017>).

۴. شبکه‌سازی فراملی در دیپلماسی اقتصادی

۴-۱. ماجرای یک جاده و یک کمر بند و تجربه T20 چین

در شرایط امروزی جهان، اتاق‌های فکر به‌صورت روزافزون در حوزه‌های سیاسی و

1. Wang Huiyao.

2. Li Keqiang.

3. Jiu San.



اجتماعی دخیل شده‌اند که این امر ناشی از نقش آن‌ها به‌عنوان تنظیم‌کنندگان آجندا در فرایند تصمیم‌گیری پنداشته می‌شود (McGann, 2012). به‌طور خاص، در یک دهه گذشته، به موازات رشد نقش جهانی چین، اهداف و استراتژی‌های اتاق‌های فکر این کشور نیز دچار تحول شده‌اند؛ از این‌رو، امروزه یکی از اهداف مهم سازمان‌های پالیسی‌پژوهی در چین، دستیابی به سطح بلند بین‌المللی‌سازی این نهادها در تصمیم‌گیری جهانی است. اتاق‌های فکر امروزی به‌عنوان بازیگران سیاست جهانی طبقه‌بندی شده‌اند. آن‌ها تمایل دارند که با سایر بازیگران در سطوح مختلف وارد اتحاد و ائتلاف شوند. نتیجه کلی این است که اندرکنش این شبکه‌ها موجب گسترش نفوذ آن‌ها می‌شود (Stone, 2013: 8).

از آن‌جا که نهادهای بین‌المللی در حوزه تصمیم‌گیری جهانی آن‌چنان توسعه نیافته‌اند، اتاق‌های فکر این قابلیت را دارند که مجموعه گسترده ایده‌ها، برهان و دلایل را در مورد رهبری و قیمومیت معنادار سازمان‌های بین‌المللی ارائه نمایند (Stone, 2015: 795). علاوه بر آن، برای کسانی که باور دارند که اتاق‌های فکر در فرایند پالیسی‌سازی و تصمیم‌گیری به اندازه کافی نفوذ ندارند، باید گفت که در درون بوم‌شناسی، تصمیم‌گیری فراملی و تأثیر سازمان‌ها و شبکه‌های علمی از طریق فرمولیزه‌سازی چالش‌ها و تنظیم آجندا نسبت به مرحله اجرایی کردن پالیسی بسیار فراگیر خواهد بود (Stone, 2015: 797).

۴-۲. اتاق‌های فکر و پروژه یک جاده و یک کمربند

بدون تردید، پروژه یک جاده و یک کمربند یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که اتاق‌های فکر چین در گفتمان آن کشور نقش اساسی بازی و ایده‌هایی را در زمینه دیپلماسی اقتصادی فراهم کرده‌اند. جهانی‌سازی اتاق‌های فکر چین از طریق تصمیم‌گیری جهانی و استراتژی‌های یک جاده و یک کمربند اجرایی خواهد شد. اتحادیه اتاق‌های فکر جاده ابریشم (SILKS) و انجمن اتاق‌های فکر جاده ابریشم عبارت از دو ابتکاری هستند که از طریق آن جهانی‌سازی اتاق‌های فکر چین عملی می‌شود.

سیلکس در سال ۲۰۱۵ در نشست اقتصادی جاده ابریشم در مادرید آغاز به کار نمود. کارکرد آن به‌عنوان پلتفرم باز و متنوع ارتباطی تعریف شده که دیزاین‌کننده مشارکت در همکاری‌ها و ارائه پیشنهادها استراتژیک برای طرح یک جاده و یک کمربند به شمار می‌رود. پروژه جدید



تنها یک شبکه بین‌المللی نیست تا زمینه‌ساز همکاری در عرصه نوآوری در پالیسی‌ها میان اتاق‌های فکر چین و اتاق‌های فکر خارجی شود؛ بلکه ویژگی‌های آن بازتاب‌دهنده نیات رهبری فعلی کشور برای تقویت اتاق‌های فکر چین و قدرت نرم آن کشور در سطح بین‌الملل است.

سیلکس یک بخش از پروژه بزرگی است که چین در امتداد جاده ابریشم به پیش می‌برد؛ مشارکت اقتصادی و مالی با بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا، همکاری جنوب-جنوب از طریق بانک جدید توسعه بریکس و ایجاد زیرساخت‌ها و توسعه پایدار در آسیا و اروپا از طریق یک جاده و یک کمربند عملی می‌شود. تا اکنون ۴۳ کشور عضویت این شبکه را به دست آورده است و توقع می‌رود که طی سال‌های آینده تعداد این کشورها افزایش پیدا کنند. مکانیسم کاری این شبکه از طریق چهار استراتژی عمده سازمان‌دهی شده است؛ اجرایی کردن پالیسی پروژه‌های جدید و پژوهش در مورد نگرانی‌های پروژه یک جاده و یک کمربند، برگزاری سمینارها پشت درهای بسته برای تسهیل مبادله ایده‌ها میان اعضا، برگزاری اجلاس بین‌المللی برای به دست آوردن حمایت افکار عمومی در مورد پروژه یک جاده و یک کمربند و حفظ و توسعه شرایط سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی و ایجاد پلتفرم برای مسیر دوم دیپلماتیک میان اعضا که در این پروژه دخیل هستند (Ho, 2015: <http://en.drc.gov.cn>).

آغاز کار انجمن اتاق‌های فکر جاده ابریشم در ۲۰۱۶ در «شینژن»^۱ نتیجه مستقیم طرح سیلکس بود. کنفرانس به طور مشترک توسط مرکز چین برای مطالعات جهان معاصر (CCCWS)، شهرداری شینژن و دانشگاه فودان^۲ برگزار شده بود. در جنوری ۲۰۱۷ سومین کنفرانس انجمن اتاق‌های فکر جاده ابریشم در پکن برگزار شد. در آنجا اعلام شد شبکه اتاق‌های فکر جدید در بخش اجرایی کردن استراتژی‌ها و پالیسی‌های مرتبط به شش دهلیز اقتصادی در امتداد جاده ابریشم (چین، مغولستان، روسیه؛ پل زمینی جدید آسیا-اروپا؛ دهلیز چین-آسیا و جنوب شرق آسیا؛ دهلیز چین-هندوچین؛ دهلیز چین-پاکستان و دهلیز چین-هند-میانمار) کار نماید. علاوه بر آن، رودخانه‌های «لانسانگ»^۳ و «میکانگ»^۴ به منظور تقویت همکاری اتاق‌های فکر در جاده آبی ابریشم در قرن بیست و یکم نقش مهم بازی می‌کنند.

1. Shenzhen.
2. Fudan.
3. Lancang.
4. Mekong.



توسعه اتاق‌های فکر چین و لحاظ کردن منافع آن‌ها در طرح یک جاده و یک کمربند، اقدامی است که اداره شی جین پینگ روی آن تأکید دارد. مشورت‌دهی در مورد پالیسی‌ها را نهادینه بسازد و بتواند قدرت نرم چین را تقویت و حمایت نماید. چنان‌که «فو یینگ»^۱ تبیین کرده است، متمرکزسازی اتاق‌های فکر بر موضوعات استراتژیک صرفاً به ارائه توصیه در مورد پالیسی‌سازی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند نقش مهمی در تبیین و تفسیر پالیسی در جامعه داشته باشد (Fu, 2015: http://www.huffingtonpost.com/fu-ying/china-thinktanks_b.html). از این لحاظ، کارکرد سازمان‌های پالیسی‌پژوه باید به‌منظور بهبود جایگاه چین در سطح بین‌المللی رهنمودهایی را اجرایی کند که از جانب نخبگان سیاسی پکن تجویز می‌شود. در محیطی که اتاق‌های فکر در عرصه پالیسی‌سازی جهانی رشد می‌کنند، روند از بالا به پایین را طی می‌کند. خلاصه سخنان شی جین پینگ در اجلاس بوآو^۲ در ۲۰۱۵:

چین طرحی را پیشنهاد کرده است تا کنفرانس (گفت‌وگو) میان تمدن‌های آسیایی برگزار شود و بستر کنش و واکنش میان جوانان، گروه‌های مردمی، رسانه‌ها و جوامع محلی، شبکه اتاق‌های فکر شکل بگیرد و به زندگی فرهنگی مردم آسیا غنای بیشتری بخشد، به همکاری منطقه‌ای توسعه و جهش داده شود (Xinhua, 2015: <http://news.xinhuanet.com/english/2015-03/29/>). (c03/29/c_134106145.htm)

بنیاد اندیشه

۴-۳. تجربه T20 چین

فکر ۲۰ (T20) در زمان ریاست مکسیکو بر گروه بیست (G20) در سال ۲۰۱۲ به کار شروع کرد. در جریان ریاست چین بر گروه بیست، که در اول دسامبر ۲۰۱۵ گشایش یافت، اتاق‌های فکر چین به شمول انستیتوت سیاست و اقتصاد جهان^۳ که وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین است، انستیتوت مطالعات بین‌المللی شانگهای^۴ که یک سازمان پالیسی‌پژوه مستقر در شانگهای است و انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌یانگ وابسته به دانشگاه رین‌مین، طرح نوآورانه‌ای روی دست گرفتند. ریاست چین بر گروه بیست موجب شد که اتاق‌های فکر چین با سهولت بیش‌تری در تصمیم‌گیری‌های جهانی و بین‌المللی‌سازی استراتژی‌های آن کشور نقش روزافزون

1. Fu Ying.
2. Boao.
3. Institute of world Economic and Politics (IWEP).
4. Shanghai Institute of International Studies (SIIS).

داشته باشند. علاوه بر آن، اتاق‌های فکر اقتصادی چین در پروژه‌های توسعه‌ای گروه بیست از برنامه‌ریزی تا آغاز کار دخیل بوده‌اند. انستیتوت مطالعات امور مالی چون‌یانگ در پکن در کنار «بروجیل»^۱ (اتاق فکر مستقر در بروکسل) و انستیتوت اقتصاد جهانی کوریا پیش از ظهور و بروز این طرح، در این رابطه تحلیل انتقادی ارائه کرده بودند (Stone, 2015).

هرچند طرح ۲۲۰ انتقادات زیادی را به همراه داشته است که مهم‌ترین دلایل آن عدم شفافیت و نبود اعتبار لازم ذکر شده است؛ به طور مثال: اطلاعات بسیاری ناچیزی به دست آمده بود این‌که چگونه سازمان‌های پالیسی‌پژوه عضو این اجلاس شوند، اکثریت آن‌ها از اقتصادهای توسعه‌یافته نمایندگی می‌کردند. مهم‌ترین دستاورد عمده آن ایجاد توافق عام در درون نهادهای پژوهشی ملی در مورد ضرورت هماهنگی در اقتصاد جهانی و مدیریت مالی بوده است (Stone, 2015: 803). برای اتاق‌های فکر چین این لحظه بسیار ارزشمند بود؛ زیرا آن‌ها توانستند طرز‌العمل‌های قابل دیدی را عملیاتی بسازند تا در سطوح ملی و بین‌المللی اعتبار کسب کنند. علاوه بر آن، در جریان ریاست گروه بیست، اتاق‌های فکر چین بیش‌تر تلاش کردند که نظم بین‌المللی را شکل دهند که در آن بیش‌تر به نیازمندی دولت‌های در حال توسعه توجه شود و شمولیت آن به‌گونه‌ای باشد که کم‌تر ماهیت غربی داشته باشد. «ژانگ یویان»^۲، مدیر انستیتوت سیاست و اقتصاد جهان، که وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین است، تصدیق کرد که کارشناسان و متخصصان در نشست ۲۲۰ روی موضوعات مختلف به شمول این موضوع که گروه بیست چگونه می‌تواند در آجندای ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار نقش پیشرو بازی نماید، همکاری‌های جنوب-جنوب و جنوب-شمال در چارچوب گروه بیست افزایش پیدا کند و هماهنگی میان گروه بیست و دیگر مکانیسم‌های بین‌المللی تقویت یابد، تمرکز کرده بودند تا گروه بیست به سکوی واقعی حکومت‌داری جهانی و توسعه پایدار اقتصادی تبدیل شود (China Daily Website, 2016).

چشم‌انداز چینی گروه بیست در مورد آینده نظم اقتصادی جهان را نمی‌توان نادیده گرفت. نقش مهمی توسط اتاق‌های فکر چین در مورد شکل‌دهی، کادربندی و مباحثه ایده‌ها و مشورت در باب پالیسی آینده حکومت‌داری جهانی ایفا شده است که یک تصویر واضح ترسیم و اذعان می‌کند که سازمان‌ها می‌توانند بر فعالیت‌های فراملی نفوذ قابل توجه کسب کنند. هنگامی که

1. Bruegel.

2. Zhang Yuyan.



مراوده ایده‌ها در جریان نشست فکر بیست (T20) برقرار بود، اتاق‌های فکر چین به کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان اجازه دادند که به کنش و واکنش بپردازند تا ایده‌هایی را خلق و توسعه ببخشند که اکثراً ریشه در چشم‌انداز چینی نظم جهانی دارند. در وب‌سایت فکر بیست، متخصصان پالیسی به معلمانی تشبیه شده‌اند که با هم یکجا شده‌اند تا به راه‌حل‌های جهانی دست پیدا کنند. چین در قبال نقش روشنفکران در حکومت‌داری جهانی توجه خاص مبذول داشته است. در بیانیه اتاق‌های فکر گروه بیست که در اول آگوست ۲۰۱۶ به نشر رسیده بود، چنین آمده است: کارکرد فکر بیست مانند دریاچه ایده‌ها برای نشست گروه بیست است. فکر بیست از همان آغاز در امر تهیه پالیسی و ارائه مشورت کنش‌گرایانه، متمرکز و موفق در نشست گروه بیست، نقش داشته است (T20 Chair Statement Declaration, 2016b). اکثر توصیه‌هایی که در مورد پالیسی توسط فکر بیست ارائه شده‌اند، بر پلتفرم چهار موضوع عمده متمرکزاند: تقویت ظرفیت رشد اقتصاد جهانی، تقویت نظام مالی جهان، سهولت‌بخشی تجارت و همکاری‌های سرمایه‌گذارانه و در اخیر حمایت از توسعه همه‌شمول و پایدار (T20 website).

۵. فعالیت‌های مسیر دوم دیپلماسی

در سال‌های اخیر، نقش مسیر دوم دیپلماسی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. بر اساس یافته‌های «استون و نيسادوری»^۱ در آسیای شرقی تعداد از اتاق‌های فکر در مناظرات و گفت‌وگوهای منطقه‌ای در باب همگرایی اقتصادی نقش فعال بازی کرده‌اند. این امر از آن جهت است که اتاق‌های فکر در سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای می‌توانند به‌عنوان کارگزاران مسیر دوم دیپلماسی عمل کنند (Stone and Nesadurai, 1999: 2). دیپلماسی مسیر دوم عبارت است از فضای سیاسی که در آن سازمان‌های پالیسی‌پژوه می‌توانند به‌عنوان کارگزاران ایده‌ها عمل کنند؛ مخصوصاً از آن جهت که دربرگیرنده فعالیت‌ها یا گفت‌وگوهای هستند که در آن چهره‌های دانشگاهی، روشنفکران، ژورنالیست‌ها و نخبگان تجاری شامل هستند که این امر مبین آن است که نمی‌توان میان محیط‌های رسمی و غیر رسمی خطوط مشخص ترسیم نمود (Stone and Ne-
sadurai, 1999: 15).

در جوامع دموکراتیک، اتاق‌های فکر را به‌عنوان بازیگران سیاسی در نظر می‌گیرند؛ اما در جوامع غیر دموکراتیک باور بر این است که سازمان‌های پالیسی‌پژوه بخشی از بدنه بوروکراسی

1. Stone and Nesadurai.

حکومت هستند (Ruland, 2002: 84-96). نویسندگانی همچون «کرافت»^۱ بر آن هستند که نزدیکی اتاق‌های فکر با حکومت‌ها و سکتورهای رسمی باعث می‌شود که مشروعیت دستاوردهای این نهادها در فرایند پالیسی‌سازی زیر سؤال برود (Kraft, 2000: 343-356). دیگران مانند «زیمرن آ»^۲ چنین باور دارند که تمایل سیاست‌مداران برای به‌دست‌آوردن پالیسی‌ها و مشاوره سیاسی بیرون از کانال‌های رسمی ارتباطات، از طریق مسیر دوم (T۲) به دست بیاورند. این موضوع طرز تفکر دولت‌ها در مورد اولویت‌ها و منافع آن‌ها را در سطح بین‌الملل دچار تحول نموده است (Wang, 2016: 46-52). در مورد اهمیت مکانیسم مسیر دوم و اتاق‌های فکر که نفوذ گسترده خلق می‌کنند، باید گفت که ارزش این اجلاس مبتنی بر خلق فضای گفتگویی و قابلیت آن‌ها در مرتبط‌سازی این ایده‌ها با فضای سیاسی رسمی و غیر رسمی است (Zimmerman, 2016: 179).

در باب اتاق‌های فکر چنین باید گفت، رابطه سازمان‌های پالیسی‌پژوه و حکومت نسبت به هر زمان دیگر به سوی موازنه و سودمندی متقابل کشیده شده است؛ هرچند این امر به معنای آن نیست که میان این نهادها و اجزای حکومت و پالیسی‌های رهنمودی آن رابطه نابرابر وجود ندارد. تبعیت از حکومت چین امروزه نیز مانند گذشته از طریق کانال‌های مختلف، مانند سازمان‌های بوروکراتیک، ارتباطات فردی یا وجوه مالی، وجود دارد. این یک واقعیت است که هنوز هم اتاق‌های فکر به اراده حزب وابسته هستند. حضور آن‌ها در فرایند بین‌المللی‌سازی و نقش آن‌ها به‌عنوان کارگزاران قدرت نرم، نشانگر تحول‌بخشی و فعال‌بودن آن‌ها در عرصه پالیسی‌سازی در چین معاصر است. در مورد فعالیت‌های شبکه‌سازی، نقش اتاق‌های فکر چین در دینامیک‌های مسیر دوم باید مثال‌های کاربردی ارائه شود. ایده‌های جدید در پالیسی‌سازی از طریق فراهم‌سازی اطلاعات کارشناسانه برای نخبگان سیاسی، گفتگومان‌های جدید سیاسی خلق می‌کنند.

یکی از حوزه‌های مسیر دوم دیپلماسی که به‌طور جزئی مورد تحلیل قرار گرفته است، نقش اتاق‌های فکر چین در مورد حکومت‌داری در اقتصاد منطقه‌ای است. به‌طور مثال: انستیتوت مطالعات آسیایی (IAS) که قبلاً به مرکز مطالعات آسیای شرقی معروف بود) به‌عنوان سازمان مرکزی در حوزه فعالیت‌های مسیر دوم دیپلماسی در شبکه اتاق‌های فکر آسیای شرقی (NEAT) در نظر گرفته می‌شود. شبکه اتاق‌های فکر آسیای شرقی به‌عنوان سکوی پلاتفورم دیپلماسی

1. Kraft

2. Zimmerman.



مسیر دوم است که در آن سیزده اتاق فکر از آسه آن و سه کشور دیگر گرد هم آمده‌اند. این نهاد به صورت رسمی در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد و طرح ابتدایی آن توسط گروه مطالعات آسیای شرقی ریخته شده بود و سپس در نشست وزرای آسه آن و سه کشور دیگر به تصویب رسید. انستیتوت مطالعات آسیایی با این هدف ایجاد شد که گروهی از متخصصان پالیسی را دور هم جمع کند تا به نخبگان سیاسی چین فرصت داده شود تا موانعی را که در سر راه همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در آسیای شرقی وجود دارد، مورد بررسی قرار دهند. «وو جیان‌مین»، رئیس دانشگاه امور خارجی چین، در سال ۲۰۰۳ این انستیتوت را افتتاح کرد. از زمان گشایش، مهم‌ترین کارکرد انستیتوت مطالعات آسیایی، جمع‌آوری اطلاعات و پیشبرد تحقیقات در مورد همگرایی اقتصادی در آسیای شرقی، ارائه اطلاعات در مورد اقتصاد چین و منطقه به رسانه‌ها و افکار عمومی و هم‌چنان ارائه مشورت به سیاست‌مداران و سرمایه‌گذاران چینی است تا فرصت‌ها و همکاری اقتصادی میان اعضای آسه آن و سه کشور دیگر فراهم شود (Wu, 2004: 22-24).

انستیتوت مطالعات آسیایی رابطه خود را با سایر اتاق‌های فکر - دانشگاهی حفظ کرده است. دانشگاه امور خارجی پیوند مستقیم با وزارت خارجه دارد. این امر برای آن انستیتوت فرصتی فراهم می‌کند که نفوذ سیاسی بیش‌تر کسب کند. هرچند این انستیتوت در حوزه دانشگاهی قرار دارد؛ اما می‌توان آن را بازوی حکومت تلقی کرد. اجماع عمومی بر این است که سازمان‌های مستقر در دانشگاه‌ها بسیار کم و یا حتی هیچ تأثیری در فرایند پالیسی‌سازی ندارند؛ زیرا آن‌ها بیرون از حلقه تصمیم‌گیری قرار دارند؛ اما انستیتوت مطالعات آسیایی به طور موفقانه خود را با این روند وفق داده است (Zhao, 2012; Glaser, 2012). انستیتوت از طریق کانال‌های داخلی، گزارش‌های ویژه را در مورد پالیسی‌سازی فراهم می‌کند که به صورت هفته‌ای یا ماهانه به آدرس دو دیپارتمنت (برنامه‌ریزی وزارت امور خارجه و واحد امور آسیایی همین وزارت) فرستاده می‌شود (Su Hao, interview with Author, Beijing, 2013). این دو کانال به پژوهش‌گران در انستیتوت مطالعات آسیایی اجازه می‌دهد که مستقیماً به دیپارتمنت‌های حکومت در مورد پالیسی‌ها توصیه نماید و فرصت‌های بیش‌تری فراهم نماید که این نهاد در مقایسه با اتاق‌های فکر - دانشگاهی چین به اعمال نفوذ بپردازد.

«وی لینگ»^۱، مدیر انستیتوت مطالعات آسیایی و پروفیسور در دانشگاه امور خارجی، تأیید کرده است که یک گروه منسجم پژوهش‌گران با وابستگی مالی چین در میان کشورهای آسیای شرقی در شبکه‌اتاق‌های فکر آسیای شرقی کار می‌کند. این امر تأثیر مهمی روی تصویب و اجرایی‌کردن پالیسی‌های حکومت در مورد همکاری‌های مالی میان اعضای آسه آن و سه کشور دیگر گذاشته است. او هم‌چنان بیان می‌دارد که پیشنهادها در مورد همکاری‌های مالی میان اعضای آسه آن و سه کشور دیگر در برنامه کاری ۲۰۰۷-۲۰۱۷ گنجانیده شده است که این امر طرح چندجانبه‌سازی «چیانگ‌مای»^۲ محسوب می‌شود. توسعه ضمانت بازار آسیایی و تقویت مکانیسم نظارت بر بازار از جمله طرح‌هایی به شمار می‌روند که ریشه آن‌ها به کار پژوهش‌گران انستیتوت مطالعات آسیایی برمی‌گردد که در چارچوب شبکه‌اتاق‌های فکر آسیای شرقی انجام شده است (Wei, 2010: 22).

تعیین رابطه مستقیم میان فرمولیزه‌سازی ایده‌ها در محیط‌های پژوهشی، اتاق‌های فکر و محیط دانشگاهی اگر ناممکن نباشد، همیشه دشوار بوده است. این امر در جوامع غیر دموکراتیک بیش‌تر چالش‌زا است؛ زیرا فضای سیاسی باعث می‌شود که محدودیت‌های زیادی از جانب حکومت اعمال شود. با این حال، طی یک دهه گذشته، انستیتوت مطالعات آسیایی به طور موفقیت‌آمیز برای رهبران و نخبگان سیاسی توصیه‌ها و مشورت‌هایی ارائه کرده است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند این نهاد نه تنها در جمع‌آوری اطلاعات در فرایند پالیسی‌سازی نقش مهمی بازی کرده است؛ بلکه در فرمولیزه‌سازی و اجرایی‌کردن آن نیز نقش داشته است. متخصصانی که در انستیتوت مطالعات آسیایی کار می‌کنند، در طرح فکری چندجانبه‌سازی چیانگ‌مای^۳ (CMIM) نقش مهمی داشتند؛ زیرا در اجلاس شبکه‌اتاق‌های فکر آسیای شرقی پیشنهادهای ارزشمند ارائه کردند. این امر به خاطر آن است که انستیتوت مطالعات آسیای شرقی با تأثیرگذاری روی پالیسی‌ها که نشانگر آن است که متخصصان چگونه می‌توانند از نفوذ خود در ساختار سیاسی استفاده کنند، عمل کرده است (Han Zhili, interview with Author, Beijing 2013).

1. Wei Ling.

۲. چیانگ‌مای در زبان تایی به معنای شهر جدید است که در ۷۰۰ کیلومتری شمال بانوکوک واقع شده است (م).

۳. این طرح به منظور رونق اقتصادی و تسهیل گردش ارز میان اعضای آسه آن، چین، جاپان و کوریای جنوبی راه‌اندازی شده است (م).



نتیجه‌گیری

در میان مهم‌ترین نیروهای فکری که در حوزه دیپلماسی اقتصادی کار می‌کنند، اتاق‌های فکری که در یک دهه گذشته در چین ایجاد شده‌اند، قرار دارند که نسبت به انستیتوت‌هایی که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ایجاد شده بودند، بسیار متفاوت هستند. نقش اتاق‌های فکر چین در حوزه دیپلماسی اقتصادی به موازات تغییر در برداشتها و فعالیت‌های چین رشد یافته است. به همین ترتیب، روند تکاملی فهم چینی دیپلماسی اقتصادی هم‌سو با توسعه اقتصادی آن کشور رشد یافته است. چشم‌انداز دولت‌محور به دیپلماسی اقتصادی موجب تضمین منافع و استراتژی چین در سطح بین‌الملل شده است. ژانگ بر این است که رهبران چین باور دارند که دیپلماسی اقتصادی باعث می‌شود که دولت‌ها، علی‌رغم تفاوت‌های سیاسی، بتوانند به لحاظ اقتصادی همکاری کنند (Zhang, 2016: 17).

در عین زمانی که قدرت اقتصادی چین در سطح بین‌الملل رو به رشد گذاشته، این کشور از طریق تجارت خارجی، به دیپلماسی اقتصادی روی آورده است تا از آن به‌عنوان قدرت نرم استفاده کند (Zhang, 2016: 17). دیپلماسی اقتصادی چین توسط چارچوب نهادی دولت و دیپارتمنت‌های وزارتخانه‌های آن انجام شده است که این موضوع تقویت‌کننده این دیدگاه است که حضور و بازیگری دولت‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی از پیامدهای جهانی شدن به شمار می‌رود. در دهه ۱۹۵۰، دیپلماسی اقتصادی به‌طور انحصاری در اختیار مقامات حکومتی و در تعداد محدودی از کشورها قرار داشت. امروزه، بازیگران غیر حکومتی و قدرت‌های نوظهور که به باور نویسنده، چین یکی از مهم‌ترین مثال‌های آن است، در فعالیت‌های متعدد مرتبط به دیپلماسی اقتصادی دخیل‌اند (Bayne and Woolcock, 2017: 1).

نگاه این مقاله در مورد دیپلماسی اقتصادی کلی است؛ اما سازمان‌های پژوهشی که در این اواخر در حوزه دیپلماسی اقتصادی چین ایجاد شده‌اند، با جزئیات مورد بحث قرار گرفت. از سوی دیگر، اتاق‌های فکر اقتصادی سنتی که در دهه ۱۹۹۰ میلادی ایجاد شدند، آن‌ها بر این متمایل بودند که میان اتاق‌های فکر به سبک چینی با مدل‌های غربی آن موازنه ایجاد کنند. برخی از این انستیتوت‌ها، مانند پانگول و انستیتوت مطالعات امور مالی چون پانگ، که در سال‌های اخیر ایجاد شده‌اند، ساختار و ماهیت آن‌ها از برنامه توسعه‌ای شی جین‌پینگ به‌منظور ایجاد اتاق‌های فکر با ویژگی چینی نمایندگی می‌کنند تا با ایده‌ها و منافع حزبی هم‌پوشانی داشته باشند؛ هر چند

این موضوع بسیار مشهود است که آن‌ها شاهد فرایند بین‌المللی‌سازی و حضور دانشمندان خارجی بوده‌اند. اکنون دیده‌بان چین تحت عنوان بورد (هیأت) مشورتی در انستیتوت‌های جدید ایجاد شده است.

نسل جدید اتاق‌های فکر بیش‌تر در فعالیت‌های مبادلاتی بین‌الملل، اجلاس و سپوزیم‌ها دخیل هستند. در این مقاله به حضور اتاق‌های فکر چین در مسیر دوم دیپلماسی منطقه‌ای مانند شبکه اتاق‌های فکر آسیای شرقی، حضور روبه‌رشد آن‌ها در فعالیت‌های فراملی و جهانی مانند مشارکت در فکر بیست (T۲۰) و تأسیس اتحادیه اتاق‌های فکر جاده ابریشم در سال ۲۰۱۵، پرداخته شد. چنان‌که قبلاً خاطر نشان شد، شبکه اتاق‌های فکر آسیای شرقی (NEAT) نمایانگر مشارکت موفقیت‌آمیز متخصصان چینی در فرایند تشخیص چالش‌ها و تنظیم آجندا بوده است که این موضوع، اهمیت و نفوذ زیادی در اقدامات رهبران چین در قبال همگرایی اقتصادی منطقه و چندجانبه‌گرایی درون‌حکومتی میان اعضای آسه آن و سه کشور دیگر داشته است. نقش اتاق‌های فکر چین در فکر بیست (T۲۰) و ایجاد سیلکس از نشانه‌های نقش ارزشمند و فوق‌العاده گران‌بهایی است که متخصصان در حوزه دیپلماسی اقتصادی چین بازی کرده‌اند.

توجه نخبگان حاکم چین در قبال اتاق‌های فکر بی‌سابقه بوده است. فکر بیست ستون فقرات اجلاس همکاری‌های اقتصادی گروه بیست به شمار می‌رود که در ماه سپتامبر در هانگژو برگزار شد (T20 Website, 2016a). در این چارچوب، نقشی را که اتاق‌های فکر بازی می‌کنند، بر اساس خواست رهبران چین خواهد بود و این می‌تواند در شکل‌دهی، گسترش و نشر دانش مرتبط به موضوعات اقتصادی که در نشست جی بیست مورد بحث قرار گرفت، سرنوشت‌ساز باشد. فکر بیست (T۲۰) برای پژوهش‌گران اتاق‌های فکر جهانی یک پلتفرم بسیار اساسی به شمار می‌رود که می‌تواند برای پالیسی‌سازان گروه بیست پیشنهادها و آموزه‌هایی مهم فراهم نماید (Wang, 2016). به همین ترتیب، سیلکس به این منظور گشایش یافت تا دانش پایه و اشتراک‌گذاری پالیسی‌ها و توسعه زیرساخت‌ها میان بازیگران دخیل در جاده ابریشم تقویت یابد (Wang, 2016: 46-52). مهم‌تر از همه، فعالیت‌هایی در که بالا ذکر شدند، نشانگر حضور روزافزون و بی‌پیشینه اتاق‌های فکر چین در سطوح منطقه‌ای و جهانی است.



منابع و مأخذ

1. Bayne, Nicholas, and Stephen Woolcock (2017) *The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiation in International Relations*. 4th ed. Abingdon and New York: Routledge.
2. CCTV. (2016), *Closer To China: The Inside Story of Chinese Think Tanks*. <https://www.youtube.com/watch?v=m1Wjvc-t8ZE>
3. Fu, Ying (2015), *China's Think Tanks Need to Reach Out and Connect*. Huffington Post. http://www.huffingtonpost.com/fu-ying/china-think-tanks_b_7101510.html
4. Glaser, Bonnie S. (2012), *Chinese Foreign Policy Research Institutes and the Practice of Influence*. In *China's Foreign Policy. Who Makes It, and How Is It Made?* ed. Gilbert Rozman. The Asan Institute for Policy Studies. New York: Palgrave Macmillan.
5. Heath, Timothy R. (2016), *China's Evolving Approach to Economic Diplomacy*. *Asia Policy* 22 [The National Bureau of Asian Research].
6. Ho, Patrick C.P (2015), *Some Thoughts About the Think Tanks Alliance*. Internal Document for Silk Road Think Tanks Forum. <http://en.drc.gov.cn/PatrickHo.pdf>
7. Huang, Renwei, and Yong Fu (2015), *中国新型智库建设与国际经验借鉴 (To Build China's New Type of Think Tanks by Learning from the International Experience)*. *国际关系研究 (Journal of International Relations)* 6.
8. Huotari, Mikko, and Heep Sandra (2016), *Learning Geo-economics: China's Experimental Financial and Monetary Initiatives*. *Asia Europe Journal* 14 (2).
9. Jacques, Martin. 2009. *When China Rules the World. The End of the Western World and the Birth of a New Global Order*. 2nd ed. London: Penguin Books.
10. Kraft, Hermann Joseph S. 2000. *The Autonomy Dilemma of Track II Diplomacy in Southeast Asia*. *Security Dialogue* 31 (3).
11. Li, Cheng, and Lucy Xu (2017), *Chinese Think Tanks: A New "Revolving Door" for Elite Recruitment*. Brookings. <https://www.brookings.edu/opinions/chinese-think-tanks-a-new-revolving-door-for-elite-recruitment/>
12. McGann, James (2012), *Chinese Think Tanks, Policy Advice and Global Governance*. Indiana University Research Center for Chinese Politics & Business, Working Paper No. 21.
13. Pu, Xiaoyu (2016), *One Belt, One Road: Visions and Challenges of China's Geo-economic Strategy*. *Mainland China Studies* 59 (3).
14. Ruland, Jurgen (2002), *The Contribution of Track Two Dialogues Towards Crisis Prevention*. *ASIEN* 85.
15. Saner, Raymond, and Lichia Liu (2003), *International Economic Diplomacy: Mutations in Post-Modern Times*. Netherlands Institute of International Relations 'Clingendael'.
16. Stone, D. (2013) *Knowledge Actors and Transnational Governance. The Private-Public Nex-*



- us in Transnational Governance. New York: Palgrave Macmillan.
17. Stone, Diane (2015), The Group of 20 Transnational Policy Community: Governance Networks, Policy Analysis and Think Tanks. *International Review of Administrative Sciences* 81 (4).
 18. Stone, Diane, and Helen E.S. Nesadurai (1999), *Networks, Second Track Diplomacy and Regional Cooperation: The Experience of Southeast Asia Think Tanks*. Paper presented to the Inaugural Conference Bridging Policy and Knowledge, Bonn, Germany, 5–8 December.
 19. T20 China. 2016a. T20 Policy Recommendations to the G20. <http://www.t20china.org/displaynews.php?id=413615>
 20. T20 China. 2016b. T20 Summit Open in Beijing. <http://www.t20china.org/displaynews.php?id=413672>
 21. The State Council Information Office. 2017. Full Text: Xi Jinping's Keynote at the World Economic Forum. China.org. http://www.china.org.cn/node_7247529/content_40569136.htm
 22. Wang, J. 2016. International Think-Tank Network and Collaborative Innovation Platform for Silk Road Economic Belt Chinese Science Bulletin 30 (1).
 23. Wang, Yiqing. 2016. Policy Gurus Gather Together to Seek World Solution. China Daily Europe. http://europe.chinadaily.com.cn/business/2016-07/30/content_26279541.htm
 24. Wei, Ling. 2010. Track II Process Informal Talking Networking and Socialization: A Case Study of the Network of East Asian Think Tanks (*World Economics and Politics*).
 25. Wong, Audrye. 2016, September 22. China's Perspective on Economic Diplomacy. The Asean Forum. <http://www.theaseanforum.org/chinese-perspectives-oneconomic-diplomacy/>
 26. Woolcock, Stephen, and Nicholas Bayne. 2013. Economic Diplomacy. In *The Oxford Handbook of Modern Diplomacy*. Oxford Handbooks in Politics & International Relations, ed. Andrew F. Cooper, Jorge Heine, and Ramesh Thakur. Oxford: Oxford University Press.
 27. Wu, Jianmin. 2004. Getting a Clear Understanding of the Situation and Promoting East Asian Cooperation Vigorously. *Journal of China Foreign Affairs University* 76.
 28. Xinhua. 2015. Full Text of Chinese President's Speech at Boao Forum for Asia: Towards a Community of Common Destiny and A New Future for Asia. http://news.xinhuanet.com/english/2015-03/29/c_134106145.htm
 29. Yuyan, Zhang. 2016. T20 to Help Produce New Global Vitality. China Daily. http://europe.chinadaily.com.cn/business/2016-07/29/content_26268657.htm
 30. Zha, Daojong. 2015. Chinese Economic Diplomacy: New Initiatives. RSIS Working Paper. https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/2015/03/PR_150318_Chinese-Economic-Diplomacy.pdf.
 31. Zhang, Junrong. 2017. Global Academics Urge Joint Efforts to Promote Humanities, Social Sciences. *Chinese Social Sciences Today*. http://casseng.ccssn.cn/news_events/news_



events_news_briefing/201705/t20170518_3523309.html

32. Zhang, Shuxiu. 2016. Chinese Economic Diplomacy: Decision-Making Actors and Processes. Abingdon: Routledge.
33. Zhao, Quansheng. 2012. Moving Between the 'Inner Circle' and the 'Outer Circle': The Limited Impact of Think Tanks on Policy Making in China. In China's Foreign Policy: Who Makes It and How Is It Made? ed. G. Rozman. New York: Palgrave Macmillan.
34. Zheng, Yongnian (2016b), I am Very Pessimistic About So-Called Chinese Think Tanks http://www.21ccom.net/html/2016/ggqz_0129/1332_2.html. Accessed 28 May.
35. Zheng, Yongnian (2016a), China Has Entered an Era of Intellectual Shortage. http://www.21ccom.net/html/2016/gqmq_0126/1183_2.html. Accessed 13 May.
36. Zimmerman, E. (2016), Think Tanks and Non-Traditional Security: Governance Entrepreneurs in Asia. New York: Palgrave Macmillan.



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

